دغدغه مشترک ایران و مصر در مسیر تقویت اندیشه تقریب مذاهب

ایران و مصر به عنوان دو مرکز عمده و در حوزه ی اصلی تمدن شرق، از دیر باز با یکدیگر ارتباط داشته، در پیشبرد تاریخ و تمدن بشری نقشی بسیار تعیین کننده ایفا کرده اند. آغاز این روابط به زمان های بسیار دور باز می گردد، زمانی که هر دو کشور «گهواره تمدن» خوانده می شدند.

مقدمه

ایران و مصر به عنوان دو مرکز عمده و در حوزه ی اصلی تمدن شرق، از دیر باز با یکدیگر ارتباط داشته، در پیشبرد تاریخ و تمدن بشری نقشی بسیار تعیین کننده ایفا کرده اند. آغاز این روابط به زمان های بسیار دور باز می گردد، زمانی که هر دو کشور «گهواره تمدن» خوانده می شدند. در طول تاریخ این روابط، اگر چه شاهان وقت، گاهی از سر حسادت و زمانی دیگر بر اثر رقابت، یکدیگر را به چالش می طلبیدند، ولی مردم ایران و مصر همواره به ارتباط و همکاری بیشتر تمایل نشان می دادند. به هر حال آشنایی با سابقه ی تاریخی و فرهنگی روابط دو کشور می تواند ما را در زمینه ی شناخت و موقعیت ها، ضرورت ها و شرایط حاضر که بسط و تحکیم روابط را در راستای مصالح کشور و امت اسلامی، امری ضروری ساخته است، یاری کند.

مناسبات ایران و مصر در عهد باستان

بر اساس اسناد تاریخی موجود، ایرانیان به فرمان «کورش» و توسط جانشین وی کمبوجیه» بر مصر تسلط یافتند. اگر چه مورخان یونان به ویژه «هرودوت» با ذکر نکات منفی از عملکرد ایرانیان در مصر به تحریف تاریخ پرداخته اند، ولی منابع قدیم مصری از رفتار ایرانیان با مصریان به نیکی یاد کرده اند. اداره ی «میراث فرهنگی» و باستان شناسی مصر به منظور دست یابی به این منابع، اخیر گروهی را جهت کشف آثار لشکر کشی «کمبوجیه» به بیابان های داخلی مصر اعزام کرده است. کانون عملیات اکتشافاتی این گروه در کویر مصر میان واحة الخارجة و واحة الداخلة قرار دارد.

«داریوش» در تکمیل فتوحات «کمبوجیه» از جنوب مصر به سوی حبشه لشکرکشی نمود. بر اساس کتیبه ای که به چهار زبان فارسی باستان، ایلامی، آشوری و مصری نوشته شده، «داریوش» طرح هایی برای حفر کانالی میان دریای مدیترانه و سرخ تهیه کرده بود.

در منابع و کتاب های تاریخی مصری آمده است که ایرانیان در زمان هخامنشیان به فرمان «داریوش»، «تقویم» و «طب» را از مصریان آموختند. در مقابل، مصریان از نظام آبیاری ایرانیان یعنی به «قنات» الگوبرداری کردند. همچنین به دستور داریوش کتابخانه هایی در مصر احداث گردید که تا آن زمان در این کشور ناشناخته بود.

«قلقشندی» در «صبح الاعشی»، از برگزاری جشن نوروز (النیروز) در مصر سخن می گوید. مضافا این که مصریان بعدها به تقلید از ایرانیان، روز اعتدال بهاری(شم النسیم) را جشن گرفتند و مهرگان (مهرجان)، روز آغاز سال کشاورزی مصریان گردید...

روابط ایران و مصر به دنبال حملات «اسکندر مقدونی» و تسلط جانشینان وی بر منطقه، بیشتر تحت تأثیر سیاست جنگی و مناسبات متشنج ایران و روم قرار گرفت همان طور که فراز و نشیب های دیگر همواره در

روابط دو کشور، وجود داشته است.

روابط ایران و مصر در دوران پس از اسلام

پس از پیدایش و ظهور اسلام در شبه جزیرهی عربستان و گسترش آن به سمت شرق و غرب، مردم ایران و مصر نیز به اسلام گرویدند. در نیروهای رزمی ارتش اسلام که برای فتح مصر آماده می شدند، شماری از ایرانیان حضور داشتند که غالبأ خراسانی بودند. بعدها گروهی از ایرانیان با مهاجرت از ایران، در مصر رحل اقامت افکندند. شماری از فرزندان سلمان فارسی از اصحاب بزرگوار پیامبر (صلی ا علیه و آله و سلم) در مصر و ش ماری دیگر در ایران می زیستند. در آن دوره همه ی مسلمانان بر محور اسلام گرد آمده بودند و مسأله ی هویت قومی یا وابستگی جغرافیایی، امری ثانوی و فرعی تلقی می شد. به همین دلیل، نشانه های فراوانی از تبادل فرهنگی، سیاسی، علمی و اقتصادی میان کلیهی ملل اسلامی از جمله ایران و مصر وجود دارد. «لیث بن سعد» امام فقه وحدیث - متولد سال ۹۶ هجری که آوازه اش در میان مردم مصر پیچیده بود.

«کندی» در کتاب «ولاة مصر» تصریح می کند که بسیاری از استانداران مصر در دورهی او ایرانی بودند. وی حتی زادگاه این افراد را هم ذکر می کند، مثلا می گوید: «عون بن یزید» از اهالی گرگان و «هرثمة ابن أعین» از اهالی بلخ است.

مورخان از چند شاعر ایرانی یاد کرده اند که از قرن چهارم هجری به بعد به مصر عزیمت کرده، در آنجا تأثیر گذار بودند. مانند: ابونواس که بعضی وی را بزرگترین شاعر دوران عباسیان به شمار آورده اند. ناصرخسرو قبادیانی شاعر و حکیم مشهور نیز در قرن پنجم هجری از مصر دیدن کرد و مدتی در این کشور اقامت گزید. وی به عنوان «حجت» جزیره ی خراسان و در راستای تبلیغ «اسماعیلیه» از سوی «المستنصر

با» خلیفه ی فاطمی به ایران اعزام گردید. ناصر خسرو در سفرنامه ی خود، مطالب ارزنده ای درباره ی مصر، نیل، نحوه ی زندگی مردم و بناها و ساختمان های موجود در این کشور بیان کرده است.

سعدی از دیگر شاعران ایرانی است که در زمان ایوبیان مدتی در مصر اقامت گزیده بود. ره آورد این سفر، مجموعه ای از داستان های پند آموزی است که شیخ اجل آنها را در بوستان و گلستان آورده است.

فخرالدین عراقی شاعر و صوفی مشهور در قرن هفتم هجری به مصر رفت و مورد تکریم سلطان واقع شد و به منصب «شیخ الشیوخی» رسید. شیخ الشیوخ در آن دوران به رئیس خانقاه گفته می شد. نخستین خانقاه در زمان ایوبیان در مصر ساخته شد و از آن زمان به بعد، امرا و وزرای مصر در احداث خانقاه با یکدیگر به رقابت برخاسته، اموال فراوانی را وقف آن کردند. در دوران ممالیک، تعداد خانقاه ها افزایش یافت. این خانقاه ها در حال حاضر یکی از نشانه های معماری مصری است که تأثیر معماری ایرانی در آن کاملا آشکار است.

با سقوط بغداد به دست مغول ها و فروپاشی حکومت های ایرانی و تسلط ایوبیان شام بر خلافت فاطمی، یک دوره فترت و یا حتی قطع رابطه در مناسبات ایران و مصر پیش آمد. همچنین بر اثر حمله ی تیموریان به سرزمین های وابسته به «ممالیک مصر» روابط دو کشور رو به تیرگی نهاد. با ارزیابی روابط دو کشور در دوره های تاریخ اشاره شده، ملاحظه می شود که دوران حاکمیت فاطیمان در مصر اوج شکوفایی روابط فرهنگی ایران و مصر بود، فاطمیان بسیاری آداب و رسوم خود را از ایرانیان گرفتند... آن ها دربارشان را مثل شاهان ایران آراستند و مانند ایشان برخی اعیاد را جشن گرفتند. خلیفه ی فاطمی مانند شاهان ساسانی، در برابر مردم، پشت پرده قرار می گرفت و به هنگام جلوس پرده کنار می رفت و در حضور او قاریان به تلاوت قرآن کریم می پرداختند.

از جمله اعیادی که فاطمیان به تقلید از ایرانیان جشن می گرفتند، عید نوروز بود که طبق مدارک موجود، برخی از شاعران، این عید را به امیر «تمیم ابن المعز» تبریک گفته اند. این جشن ها نمایانگر تمایل فاطمیان به پیروی از فرهنگ و تمدن ایرانی بود. شایان ذکر است که هنر دوران فاطمی هم شدیدا تحت تأثیر هنر ایران قرار داشت که در زمینه های: بافندگی، منبت کاری، کنده کاری و کاشی کاری، سبک و روش هنرمندان ایرانی به روشنی دیده می شود. یکی دیگر از نشانه های ارتباط فرهنگی ایران و مصر رواج برخی از واژه های فارسی در زبان عربی و به ویژه در گویش مصری است. به کارگیری این واژه ها در مصر از طرف فاطمیان، صوفیان و عثمانیان صورت گرفت. محمد مقبل بیگ» در کتاب «الدر الثمین فی أسماء البنات والبنین» بسیاری از نام های به کار رفته در مصر را می آورد که اغلب ریشه ی فارسی دارند. «دکتر حسین مجیب المصری» در کتاب «ایران و مصر عبر التاریخ» و برخی دیگر از آثارش و «محمد نورالدین عبدالمنعم» در مقاله ی «الألفاظ الفارسیة فی العامیة المصریه» این واژگان را شرح داده اند.

در دوران عثمانی و به دنبال اصلاحاتی که محمدعلی پاشا انجام داد، زبان فارسی به عنوان یک زبان علمی و تقریبا نیمه رسمی، در مصر تجدید حیات پیدا کرد که انتشار بسیاری از کتب ادبی و ارزشمند فارسی چون دیوان حافظ، مثنوی معنوی، کلیات سعدی و غیره، همچنین انتشار روزنامه هایی به زبان فارسی مانند: ثریا، پرورش، چهره نما و حکمت در مصر نقشی عمده در این رابطه ایفا کردند.

در سال 1516 میلادی شاه اسماعیل اول - بنیانگذار سلسله ی صفوی - در صدد ائتلاف با سلطان مصر «الغوری» علیه دولت عثمانی بر آمد و به این منظور سفیری به همراه یک نامه ی دوستانه و دویست غلام و کنیز نزد سلطان مصر فرستاد. سلطان مصر پیشنهاد پادشاه ایران را پذیرفت و با سپاهی بالغ بر سی هزار نفر به جانب سوریه روان گردید. از این زمان روابط ایران و مصر در چارچوب روابط دیپلماتیک قابل مطالعه و بررسی است. در عهدنامه ی ارض روم که در سال ۱۸۶۸ میلادی توسط میرزا تقی خان امیر کبیر از سوی ایران امضا گردید، تصریح شده است که دولت ایران در هر یک از شهرهای ممالیک عثمانی که دارای منافع تجاری است، (بجز مکه و مدینه) می تواند کنسولگری تأسیس نماید.

هشت سال بعد در سال ۱۸۵۵ میلادی دولت ایران برای اولین بار به اعزام یک مأمور موقت به عنوان «مصلحت گذار» از استانبول به قاهره مبادرت نمود. در سال ۱۲۹۹ هجری قمری اختلافاتی بین تجار ایران و گمرکات مصر بر سر تنباکوی ایران پیش آمد.

سفارت ایران در استانبول، «حاجی محمد صادق خان» را به عنوان مصلحت گذار و مأمور ثابت به مصر فرستاد. این اقدام، زمینه ساز پایه های اولیه ی برقراری مناسبات سیاسی ایران و مصر در تاریخ معاصر بوده است.

روابط ایران و مصر در قرن بیستم

پس از پایان جنگ جهانی اول و تقسیم سلطنت عثمانی بر اساس سیاسی به مناسبات دو کشور گسترش بخشید. علاوه بر امور تجاری، در روابط فرهنگی ایران و مصر نیز تحرکی پدید آمد. این روند نقش مؤثری در ارتقای سطح دیپلماتیک دو کشور داشت و در ۱۳۱۷ هجری شمسی سفارت ایران در قاهره به سفارت کبری تبدیل شد. در دوران فاروق، تدریس زبان فارسی در دانشگاه های مصر رواج پیدا کرد و با اعزام اساتید زبان فارسی از سوی ایران به مصر، روابط فرهنگی و علمی طرفین گسترش بیشتری یافت. جدایی خواهر شاه مصر از شاه ایران اگر چه موجب ناراحتی خانوادگی حاکم مصر گردید، ولی در خط مشی کلی سیاست خارجی دو کشور تأثیری نداشت. با فروپاشی نظام پادشاهی در مصر و به قدرت رسیدن «افسران آزاد»، در سیاست مصر تغییراتی عمده در صحنه های داخلی و خارجی به وجود آمد و سرهنگ «ناصر» با رویکرد به افسانه ی قومیت عربی و صدور افکار ملی گرایی به منطقه ی خلیج فارس، نظام پهلوی را به چالش کشانید. در چنین شرایطی روابط دو کشور سیر نزولی به خود گرفت تا این که سرانجام در ۲۶ مرداد ۱۳۳۹ روابط دیپلماتیک قطع گردید.

در پی شکست مصیبت بار اعراب در جنگ 1967م - که بر اثر سیاست های جاه طلبانه و یا اشتباه آمیز سرهنگ ناصر رخ داد - ناصر در سیاست های منطقه ای و جهانی خود تغییراتی داد. مضافا این که حمایت ظاهری ایران از اعراب در 1967 فرصت خوبی برای بهبود روابط فراهم کرد و بر اثر میانجی گری کویت و تماس های طرفین، روابط ایران و مصر مجددا روند صعودی پیدا کرد تا این که در هفتم شهریور 1349(اوت ۱۹۷۰) دو کشور با صدور اعلامیه ای تصمیم به ارتقای سطح روابط با سفارت گرفتند، اما یک ماه پس از صدور اعلامیه ی تجدید رابطه بین دو کشور، «ناصر» فوت کرد. (۱)

با روی کار آمدن انور سادات، سیاست های مصر در عرصه ی خارجی تا حدود زیادی به موضع گیری های رژیم شاه نزدیک شد که رویگردانی سادات از بلوک شرق به سمت بلوک غرب و در پیش گرفتن سیاست اقتصادی مبتنی بر «بازار آزاد» از آن جمله است. سادات پس از جنگ اکتبر ۱۹۷۳ سیاست سازش و همکاری با اسراییل را دنبال کرد. مناسبات ایران و مصر پس از این جنگ، با اعلام آمادگی ایران برای همکاری در بازسازی مصر و افزایش تماس های دو جانبه به اوج خود رسید.

شاه از سیاست سادات در زمینه ی رفع بحران خاورمیانه از راه سازش با اسراییل حمایت همه جانبه نمود و در واقع گسترش روابط بازرگانی و تجاری دو کشور، به منزله ی حمایت مادی از این سیاست بود. در تاریخ معاصر، روابط شاه و سادات - دو عنصر کاملا وابسته به امپریالیسم غرب - عصر طلایی(!) مناسبات تهران - قاهره به شمار می آید. پرداخت وام های کلان از سوی ایران به مصر، انعقاد قراردادهای گوناگون صنعتی، تجاری و سرمایه گذاری های مشترک در عرصه های مختلف جهانگردی و انرژی، جملگی از گرمی روابط طرفین حکایت می کرد. البته آمریکا از شاه برای ترغیب سادات جهت گشودن باب مذاکرات مستقیم با اسراییل بهره برداری کرد. گفته می شود مهم ترین محورهای مذاکرات شاه و کارتر، در پایان ۱۹۷۷ موضوع فوق بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مناسبات سیاسی دو کشور به دلیل امضای قرارداد کمپ دیوید به دستور امام خمینی (رضی ا عنه)، در سال ۱۹۷۹ قطع گردید و با پذیرش شاه مخلوع از سوی مصر روابط

فیما بین متشنج شد. پس از آغاز جنگ ایران و عراق، نخست مصر هر دو طرف را محکوم کرد. و مخالفت خود را با «این جنگ بیهوده میان دو کشور مسلمان و همسایه ابراز نمود، اما مصر از این که عراق می توانست سدی در مقابل گسترش انقلاب اسلامی باشد، بسیار خشنود بود. با توجه به این امر بود که مصر پس از شدت یافتن جنگ به عراق کمک های نظامی بسیاری کرد. (2)

رشد جنبش اسلام خواهی در منطقه به طور اعم و در مصر به طور اخص - که مشخصا پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران روند قابل توجهی داشت - موجب گردید تا مقامات مصری، جمهوری اسلامی ایران را به دخالت در امور داخلی کشور خود متهم کند! ولی هیچ گاه نتوانستند مدرک یا سندی در این خصوص ارایه نمایند. با این حال دولت مصر با عنوان کردن همین اتهام، در تاریخ سیزدهم اسفند ماه 1366 اقدام به بستن «دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی ایران» در قاهره نمود.

با پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ و پایان جنگ تحمیلی، جمهوری اسلامی ایران در یک حرکت بشردوستانه و به طور یک جانبه، اسرای مصری را که در طول جنگ در کنار نیروهای عراقی به اسارت درآمده بودند، از طریق وساطت شیخ محمد غزالی، روحانی برجسته ی مصری آزاد کرد. پس از پایان جنگ دوم خلیج فارس و آزادسازی کویت توسط نیروهای متفقین به رهبری آمریکا، بار دیگر نقشه ی سیاسی خاورمیانه دگرگون شد. این دگرگونی ها و تحولات، زمینه ی مناسبی برای نزدیکی تهران و قاهره فراهم آورد و در تاریخ هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۷۰ دفاتر حفاظت منافع دو کشور در تهران و قاهره گشایش یافت. از آن زمان تاکنون مقامات دو کشور عمدتأ وزرای خارجه - طی تماس ها و گفت و گوهای دو جانبه در صدد بهبود مناسبات برآمده، می کوشند تا سطح آن را ارتقا دهند. (3)

طی یک دهه ی گذشته دو کشور در مسایل بین المللی زیر همکاری خوبی با یکدیگر داشته اند:

۱- هماهنگی مواضع دو کشور در مسأله ی بوسنی و کمک به مسلمانان آن سامان.

۲ - موضع گیری نزدیک دو کشور درباره ی NPT (پیمان منع گسترش سلاحهای کشتار جمعی).

۳- رایزنی های دو کشور در مسأله ی حقوق بشر که به تغییر رأی مصر نسبت به قطعنامه ی حقوق بشر علیه ایران از مثبت و ممتنع انجامید.

4- همکاری دو کشور در چارچوب سازمان کنفرانس اسلامی و شرکت «عمرو موسی» وزیر خارجه ی مصر در اجلاس تهران و اتخاد مواضع مشترک در بسیاری از مسائل مطرح شده در کمیته های کنفرانس.

در سطح همکاری های منطقه ای نیز دو کشور در موارد بسیاری مواضع مشترک دارند که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

1- ضرورت جلوگیری از گسترش سلاح های کشتار جمعی رژیم صهیونیستی.

۲- حمایت از تمامیت ارضی عراق و جلوگیری از تجزیه آن.

۳ - طرح خلع سلاح هسته ای و کشتار جمعی در خاورمیانه.

در بعد روابط دو جانبه می توان به همکاری های زیر اشاره کرد:

الف - همکاری های اقتصادی روند بهبود مناسبات اقتصادی پس از گشایش مجدد دفاتر حفاظت منافع دو

کشور با جدیت دنبال شده است. در این زمینه ساخت پنج کارخانه نیشکر در استان خراسان از سوی مصر و امضای یادداشت تفاهم برای فروش یک هزار دستگاه تراکتور به بخش خصوصی مصر و مبادلات تجاری دیگر، از جمله فعالیت های اقتصادی قابل ذکر است.

ب - همکاری های فرهنگی: امضای توافق نامه همکاری های علمی میان دانشگاه عین شمس مصر و دانشگاه علامه ی طباطبایی، سفر برخی علمای برجسته و شخصیت های روحانی علمی، ادبی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به مصر و ملاقات آنها با شیخ الازهر و دیدار شخصیت های علمی و مطبوعاتی مصر با مسؤولان ایران، همچنین نمایش فیلم های ایرانی در مصر و دیدارهای دوستانه ورزشی جزو فعالیت های فرهنگی سال های اخیر به شمار می آید. البته همه ی مواضع و موارد فوق را می توان در واقع (دور شدن تدریجی مصر از کمپ دیوید) تلقی کرد.

نقش علما و روحانیون در روابط ایران و مصر

بی تردید مردم ایران و مصر از نظر دینداری و توجه به امور مذهبی با یکدیگر همانندی های فراوانی دارند. هر دو ملت در مبارزات ضداستعماری خود از عامل دین به عنوان انگیزه ای برای «جهاد» علیه استعمارگران بهره بردند. به یاد می آوریم که ارتشیان مصر در «جنگ رمضان» با ندای ا اکبر از کانال سوئز عبور کردند و استحکامات خط بارلو را در هم شکستند.

همچنین عشق و علاقه به اهل بیت (علیه السلام) یکی از شاخصه های مذهبی مشترک است که به وضوح نزد ایرانیان و مصریان دیده می شود. دیداری از مسجد امام حسین (علیه السلام) و بارگاه سیده زینب (علیه السلام) در قاهره، روشنگر این حقیقت است. در این میان نقش علما و روحانیون آگاه در نزدیک سازی دو ملت ایران و مصر بسیار با اهمیت است. ما در این جا به ذکر دو نمونه، تأثیر حرکت اصلاحی سید جمال

الدین حسینی اسدآبادی و حرکت تقریب بین مذاهب شیخ محمدتقی قمی در تحولات ایران و مصر و کل منطقه اکتفا می کنیم.

حرکت اصلاحی سید جمال الدین اسد آبادی

سید جمال در اواخر سال ۱۲۸۵ هجری قمری برای اولین بار از هند وارد مصر شد. مدت اقامت وی در این سفر فقط چهل روز بود، اما سید در این مدت کوتاه با الازهر آشنا شد و از آنجا عازم حج گردید. این مراجعت زودهنگام سید موجب تأثر طلاب الازهر شد.

در سفر دوم که با آغاز محرم ۱۲۸۷هق آغاز شد، سید ظاهرا به قصد اقامت دراز مدت به قاهره رفت. این بار او در «سرای ابراهیم بیک مویلگی» در نزدیکی «مسجد سیدنا الحسین» سکنی گزید، ولی بعد به خان الخلیلی رفت و به درخواست طلاب الازهر به تدریس کلام، فلسفه، فقه و نجوم پرداخت.

طبق نوشته ی مورخان و یادداشت های سید در پشت جلد کتاب ها، «سید کتاب زوراء» تألیف شیخ جلال الدین دوانی در تصوف، «شرح قطب بر شمسیه» در منطق، هدایه و «اشارات و حکمت الاشراق» در فلسفه و «شرح العقائد العضدیه» جلال الدین دوانی در کلام و «تذکره ی» شیخ طوسی در علم هیأت قدیم را تدریس می کرد. مجموعه تقریرات درس وی در شرح عقاید، بعدها به نام شیخ عبده در مصر چاپ شده است.

از شاگردان مشهور سید می توان از شیخ محمد عبده، شیخ عبدالکریم سلمان، شیخ ابراهیم لقانی و شیخ ابراهیم حلباوی نام برد. سید برای این گروه، علوم رسمی حوزوی و الازهری تدریس می کرد، اما گروه دیگری هم بودند که در فرصت های مناسب از درس سید در علوم اجتماعی و سیاسی استفاده می کردند و این دروس دوره ای، گاهی در منازل افراد عرضه می شد و شاگردان معروف این دوره ها: محمود سامی

البارودی، عبدالسلام مویلحی و برادرش ابراهیم مویلحی، سعد زغلول، علی مظهر، سلیم نقاش، ادیب اسحاق و دیگران بودند.

«احمد امین» در کتاب خود ضمن شرح حال سید می نویسد: سید از تدریس در مصر چه می خواست؟ و سپس پاسخ می دهد که: سید از تدریس علوم الازهری و غیر حوزوی، دو هدف داشت: هدف اول بیداری طلاب و روشن شدن اذهان الأزهریان بود تا آنان را با دنیای جدید آشنا کند، به ویژه با فلسفه که پس از دوران فاطمیان در مصر، تعطیل و تحریم شده بود. تا آن جا که شیخ محمد عبده در مقدمه ی رساله ی «الواردات فی سر التجلیات» می نویسد: من وقتی سراغ فلسفه را گرفتم، در الأزهر به من گفتند که فلسفه حرام است: «کلما سألت اجابونی بان الاشتغال بها حرام ... (تا این که خورشید حقایق ظهور کرد و به وجود حضرت الحکیم الکامل و الحق القائم استادنا السید جمال الدین الأفغانی لطایفی از آن بر ما آشکار شد و از او در این باب خواستار شدیم و شکر خدا را که اجابت کرد..)

بر اساس همین تأثیر روحی و معنوی است که به نقل از «زعماء الإصلاح فی العصر الحدیث» شیخ درباره ی سید می گوید: «ان أبی وهبنی حیاة یشارکنی فیها علی ومحروس السید جمال الدین وهبنی حیاة أشارک فیها محمد و ابراهیم و موسی و عیسی و الاولیاء و القدیسین...»(4)

در همین دوران بود که عبده، رساله ی «نیچریه» را با همکاری ابوتراب - شاگرد ایرانی سید به عربی ترجمه و با مقدمه مشروحی در قاهره چاپ می کند.

هدف دوم سید از آرایه ی درس های عمومی، بیداری مردم مصر و نقد حکومت استبدادی و افشای مظالم استعمار بود. سید به صراحت از اشغال کشورهای اسلامی مغرب، تونس و الجزایر به دست فرانسه و اشغال مصر و سودان و دیگر بلاد اسلامی به دست انگلستان به شدت انتقاد می کرد و در همین راستا سرانجام

«حزب الوطنی» را در مصر تأسیس کرد که مرحوم «سید محمد رشید رضا» در کتاب «تاریخ الاستاذ الامام»، از آن به نام الحزب الوطنی الحر یاد می کند.

سید جمال از تدریس علوم الأزهری و غیر حوزوی، دو هدف داشت: اول بیداری طلاب و روشن شدن اذهان الازهریان بود، دوم بیداری مردم مصر و نقد حکومت استبدادی و افشای مظالم استعمار به هر حال نقش سید در تحول الأزهر، بیداری مردم مصر و آگاهی سیاستمداران، روشن است، اما این حرکت بدون همکاری و همدلی طرف مصری شیخ محمد عبده و دیگران هرگز امکان پذیر نبود و به همین دلیل سرانجام رجال حکومت مصر به درخواست انگلیس سید را از مصر اخراج کردند، ولی او به پاریس رفت و «العروة الوثقی» را با همکاری شیخ محمد عبده منتشر ساخت که خود داستان جداگانه ای دارد.

دار التقریب مصر و ایران

مورد دیگری که اهمیت خاصی در جهان داشته و دارد، مسألهی پیدایش «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیة» در مصر است. مرحوم شیخ محمود شلتوت در قصة التقریب به تفصیل در این باره بحث کرده است و این رساله ی شیخ در فصلنامه ی«رسالة الاسلام» آمده و بعد به طور مستقل چاپ شده است. استاد محمدتقی قمی یک شیخ ایرانی بود که ظاهرا برای انجام امور فرهنگی از سوی دولت ایران به مصر اعزام شده بود، اما او با الازهر تماس می گیرد. نتیجه ی این تلاش آشنایی با شیوخ بزرگواری چون شیخ عبدالمجید سلیم، شیخ محمود شلتوت، شیخ محمد فحام، شیخ محمد ابوزهره، شیخ محمد غزالی و شیخ حسن البناء و دیگران است.

و این گونه، دارالتقریب پیدایش یافت. دورهی کامل ۱۵ ساله «رساله الاسلام قاهره» - که از سوی مجمع التقریب تهران، به طور کامل تجدید چاپ شده است، تاریخ این حرکت اصلاحی ایرانی - مصری را نشان می دهد.

بی تردید اگر همکاری علمای بزرگ مصر و ایران (مانند مرحوم آیت ا بروجردی) نبود، شیخ قمی به تنهایی قادر به کاری نبود. در نتیجه ی همین کوشش ها و تعاون بود که سرانجام فتوای معروف شیخ محمود شلتوت: «یجوز التعبد بمذهب الشیعة کسائر المذاهب» صادر شد و بعد فقه شیعه در الأزهر تدریس شد و تفسیر «مجمع البیان» در قاهره به چاپ رسید و...

بی تردید این حرکت ایرانی - مصری، در واقع بسیاری از مشکلات و اختلافات شیعه و سنی در جهان اسلام را بر طرف ساخت و ما اگر امروز شاهد همزیستی مسالمت آمیز پیروان همه ی مذاهب اسلامی در بلاد اسلامی هستیم، نتیجه ی همکاری علمای مصری - ایرانی است و باید این راه با همکاری ایران و مصر استمرار یابد.

ایران و مصر و چالش جهانی شدن

امروز ما با همکاری مصر و دیگر کشورهای اسلامی می توانیم قدرتمندانه در مسأله ی جهانی شدن موضع بگیریم. پدیده ی جهانی شدن بر خلاف ظاهر زیبا و فریبنده، ابعاد منفی فراوانی دارد. جهانی شدن. در واقع، آغاز دوران پس از استعمار است مانند پسامدرنیسم که به دنبال مدرنیسم مطرح شده است! اصولا واژهی جهانی شدن (Globalization) برای نخستین بار در آمریکا رواج یافت و هدف ظاهری آن تعمیم هر چیزی برای همه است. پیش از آن که به تأثیر جهانی شدن در عرصه های فرهنگ، اخلاق، قومیت ها و ملیت ها بپردازیم، به پاره ای از تأثیرات جهانی شدن در عرصه ی اقتصاد اشاره می کنیم.

اقتصاددانان بین المللی می گویند که پنج کشور آمریکا، ژاپن، فرانسه، آلمان و انگلستان ۱۷۲ شرکت از ۲۰۰ شرکت چند ملیتی بزرگ دنیا را در اختیار دارند. این دویست شرکت یا تراست جهانی که عملا اقتصاد همه دنیا را می چرخاند، همچنان در پی آنند که سیطره ی جهانی خود را استحکام بخشند. طبق

گزارش سازمان ملل، حجم منابع مالی و نقدی 358 نفر از ثروتمندان جهان با حجم منابع مالی دو میلیارد و نیم انسان برابر است. به عبارت دیگر ۲۰ درصد ثروتمندان جهان ۸۰ درصد تولید خام داخلی در سطح دنیا را به خود اختصاص داده اند و از این رهگذر بر نفوذ و سیطرهی خود بر فقرای سرزمین خود و کشورهای فقیر و جهان سوم می افزاید.

نتیجه ی این ثروت اندوزی و افزون طلبی آن است که میانگین ثروت در خود آمریکا در بین سرمایه داران - بین سال های ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۵ - 60 درصد افزایش یافته است، ولی شمار کسانی که از این ثروت در خود آمریکا بهره مند می شوند، حتی از یک درصد مردم آمریکا کمتر است. یک محقق آمریکایی اظهار نگرانی می کند که طبقه ی متوسط آمریکا به سرعت به سوی طبقه جهان سومی پیش می رود.

در فرانسه نیز تنها ۲۰ درصد فرانسوی ها ۷۰ درصد ثروت ملی کشور را در انحصار دارند، در حالی که ۲۰ درصد مردم فقیر فرانسه، فقط قادرند آدرصد از ثروت ملی را مورد استفاده قرار دهند. در ژاپن، آلمان و انگلیس نیز اوضاع کم و بیش بر همین منوال است.

به هر حال پدیده ی جهانی شدن به دنبال تحقق یک جهان انسانی تر، عادلانه تر و سالم تر نیست، بلکه این یک ایدئولوژی پر زرق و برقی است که تحقق خواسته ها و اهداف توسعه طلبانه خود را دنبال می نماید.

در این باره چند جمله از دکتر محمد عابد الجابری را نقل می کنم. وی می گوید: اهداف جهانی شدن روشن است جهانی شدن موجودیت های سه گانه: دولت، ملت و میهن را هدف قرار داده است. اگر این سه موجودیت را از میان برداریم، چه چیز باقی می ماند؟ آن چه می ماند، جایگزین همه ی موجودیت ها می شود: امپراتوری جهانی یعنی شرکت ها و مؤسسات چند ملیتی که راه اندازی، جهت دهی و رهبری جهان را

بر عهده دارد و به این ترتیب در همه جا جایگزین دولت می شود: «ایران و مصر با روابط بهتر و بیشتر در گروه ۱۵ - که حالا باید آن را 16 یا 19 بنامیم می توانند با قدرت و توان مضاعف، پدیده ی جهانی شدن را بررسی کنند.

البته از این مهم تر بعد فرهنگی و اخلاقی پدیده جهانی شدن است: گسترش ارتباطات، ماهواره و اینترنت اگر چه جنبه های سودمندی دارد، ولی در امور اخلاقی، جهان را به سوی بحران و انحطاط وحشتناکی پیش می برد. این امر چاره اندیشی سریع و فوری می طلبد که در این میان الازهر مصر با تاریخ هزارساله و حوزه ی علمیه ی قم با سابقهی پربار و درخشان خود، وظیفه دارند برای مقابله با آن، راه حل مناسبی ارایه کنند.

ایران و مصر و طرح گفت و گوی تمدن ها

چند سال گذشته کنفرانسی درباره ی نقش تمدن های مصر، ایران، ایتالیا، و یونان در تهران برگزار شد. بی تردید این قبیل نشست ها در شناخت گذشته و تاریخ تمدن ها سودمند است، ولی باید توجه کنیم که گذشته ی ما و تمدن اسلامی ایران و مصر سدی است مستحکم که می توانیم به آن تکیه کنیم. اما حرکت ما باید رو به جلو باشد. لازم است در شرایط کنونی برای دنیای امروز بشری، طرحی نو در اندازیم. تمدن اسلامی تکامل بخش تمدن های پیشین است و برای مشکلات حاضر در سطح جهان نیز می تواند راه حل ارایه نماید.

طرح گفت و گوی تمدنها که توسط آقای خاتمی مطرح شده است، در یک بخش می خواهد با یورش فرهنگ آمریکایی و تسلط آن بر جهان، مقابله کند. پوشیده نیست که تمدن ها و فرهنگ های متعددی در جهان وجود دارند که هر کدام در شکل گیری شخصیت مستقل هر یک از ملت های جهان نقش دارند، ولی امروز ما شاهد آن هستیم که ملل جهان از روند تزریق یک نوع فرهنگ خاص که به شیوه های گوناگون تبلیغاتی و با استفاده از فن آوری جدید ارتباطات انجام می گیرد، احساس نگرانی می کنند.

البته منظور روند، آمریکایی کردن فرهنگ و آداب و رسوم ملت هاست که جهان را در نور دیده است. اندیشه گفت و گوی تمدنها به دنبال اثبات این مطلب است که در دنیای امروز فرهنگ ها و تمدن های متعدد حق دارند با حفظ استقلال و موجودیت خود از طریق تعامل فرهنگی و تمدنی در راستای ساختن دنیای جدید سرشار از صلح و تفاهم، تلاش کنند. ایران و مصر با فرهنگ غنی و پرمایه ی خود می توانند با ورود به این عرصه و با همفکری و همدلی این راه را هموار سازند. بدیهی است ایران و مصر باید ابتدا با یکدیگر به گفت و گو بپردازند تا در مرحله ی بعدی بتوانند ابتکاراتی مشترک در زمینه گفت و گوی تمدن ها عرضه دارند.

جمع بندی

با بررسی اجمالی سوابق تاریخی و فرهنگی ایران و مصر، به ویژه پس از اسلام، می توان پیوندهای عمیقی برای استحکام روابط در ابعاد گوناگون، پیدا کرد، البته در چند سال اخیر در کشور مواضع مشترکی در

قبال بسیاری از مسایل منطقه ای و جهانی از خود به نمایش گذاشته اند. افزون بر آنچه قبلا بیان کردیم، مصر و ایران در بحران دو سال قبل ترکیه و سوریه نقش سازنده ای ایفا کردند. البته نه این که هر دو کشور با هماهنگی کامل به این بحران زدایی دست زدند، ولی معلوم می شود که با همکاری های نزدیک تر می توان از بحران های سخت جلوگیری کرد.

همچنین در دو سه سال اخیر شاهد بوده ایم که مواضع ایران و مصر در قبال اهداف توسعه طلبانه ی رژیم صهیونیستی بسیار به هم نزدیک شده است. مردم مصر همانند مردم ایران و ملت لبنان و سایر ملل عرب و مسلمان شادمانی خود را از پیروزی مقاومت اسلامی لبنان ابراز نمودند و پیش از آن هم دولت مصر، رسما از مبارزه حزب ا علیه اشغالگران پشتیبانی کرد.

مصر در مورد محاکمه ی جاسوسان اسراییلی در ایران، به طور رسمی اعلام کرد که ایران حق دارد به عنوان یک کشور مستقل طبق موازین و قوانین خود اقدام کند. مواضع مصر در قبال برنامه ی هسته ای رژیم صهیونیستی، پشتیبانی این کشور از عضویت ایران در گروه ۱۵ و پس از آن تماس تلفنی رؤسای جمهوری دو کشور، یخهای روابط پیشین را ذوب کرده است.

چشم انداز همکاری های دو کشور در عرصه های گوناگون بسیار روشن است. این همکاری ها برای جهان اسلام نتایج حیاتی در بر دارد، به ویژه مسأله ی فلسطین و قدس شریف با همکاری مصر و ایران و دیگر کشورهای اسلامی قابل حل خواهد بود. بی تردید رژیم صهیونیستی برای مخالفت با بهبود روابط ایران و مصر، موانعی بر سر راه دو کشور قرار داده و می دهد، چرا که تنها برنده ی اختلاف میان دو کشور، رژیم صهیونیستی است. ولی خردمندی و تدبیر رهبران دو کشور می تواند این توطئه ها را خنثی سازد. به هر حال مصر جایگاه ویژه ای نزد مسلمانان دارد. خداوند در قرآن مجید در پنج مورد نام «مصر» را آورده است و این افتخار نصیب دیگر کشورها نیست. برای مثال در سوره ی یونس، آیه ۸۷ می خوانیم: «وَ أَوْحَیْنَا إِلَی مُوسَی وَ أَخِیهِ أَنْ تَبَوَّآ لِقَوْمِکُمَا بِمِصْرَ بُیُوتًا وَ اجْعَلُوا بُیُوتَکُمْ قِبْلَةً وَ أَقِیمُوا الصَّلاةَ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِینَ» و در سوره ی

یوسف، آیه ۹۹ می فرماید: «فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيْهِ أَبَوَيْهِ وَ قَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ». در هر دو مورد می بینیم سخن از پناه دادن و قبله قرار دادن خانه ها و اقامه ی نماز در آنها و سپس بشارت بر مؤمنان و در امان بودن، به میان آورده است.

بی هیچ تردید برای امت مسلمان و برای جهان اسلام خسارت بزرگی است که «مصر» را از دست بدهد. بی شک ما با مصر در مسأله ی کمپ دیوید اختلاف اصولی و ریشه ای داریم و موضع جمهوری اسلامی ایران در مسأله ی فلسطین شفاف ترین مواضع است و چگونگی آن هم بر همه روشن است، ولی به باور ما، مسایل سیاسی قابل تغییر و تحول، نباید مانع از تلاقی و ارتباط دو کشور در مسایل دو جانبه و مسایل مبتلا به جهان اسلام شود.

اصولا مسأله ی مورد اختلاف را باید به تدریج حل کرد و لزومی ندارد که ما فقط در موارد اختلافی صحبت کنیم. چرا موارد وفاق را نمی بینیم و چرا در افزایش آن موارد نمی کوشیم؟ آیا فقط از راه «حمله» و «قطع رابطه» می توان مسایل مورد اختلاف را بر طرف ساخت یا راه های دیگری هم برای این امور وجود دارد. در جایی که ما با «اهل کتاب» با استناد صحیح به آیه ای از قرآن مجید، آماده «گفت وگو» و «تبادل نظر» هستیم، چرا با «اهل ایمان» و برادری دینی خود در وارد اختلاف، به گفت و گو ننشینیم؟

اصولا در هیچ جای دنیا، رهبران احزاب و سیاستمداران حاکم، حتی در ایران، در همه ی امور هم فکر و هم رأی نیستند، اما آنها همواره می کوشند که موارد اختلاف را به حداقل خود برسانند و در تکامل و پیشرفت جامعه و امور کشور خود پیش بروند، و چرا ما چنین نباشیم؟

* مصر در آخرین کنفرانس گروه ۱۵ از عضویت ایران در آن دفاع کرد و پس از آن، رئیس جمهوری مصر به

طور رسمی با رئیس جمهوری ایران تماس گرفت و این پیام را به ایشان ابلاغ نمود.

* وزیر خارجه ی [وقت] مصر، عمرو موسی، در ملاقات های مکرر خود با دکتر ولایتی و بعد دکتر خرازی همواره مواضع دوستانه و برادرانه ی مصر را در قبال ایران ابراز داشته است و این نوع اقدامات، گام های دیگری در راه دوری از «کمپ دیوید» است.

پی‌نوشت‌ها:

1- سید مهدی تکیه ای، کتاب سبز مصر (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۵)، ص96

2- حسین مجیب المصری، ص ۹۷.

3- احمد هاشم، «امنیت ملی مصر و ایران و خلیج فارس»، مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس: تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۲، ص ۷۸.

4- احمد امین، زعماء، الصلاح فی العصر الحدیث، قاهره، ص ۲۹۳.

منبع: مجموعه مقالات استراتژی تقریب مذاهب اسلامی، نویسنده: حجت الاسلام والمسلمین سید هادی خسروشاهی، چاپ اول، ناشر: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، 1384ش، صص 475-491